

نقض حریم هوایی کشورها از طریق پهپادهای امریکایی (مطالعه موردی: پاکستان)

یاسر مکرمی قرطاول^{۱*}، امیرحسین رنجبریان^۲

چکیده

از چند دهه اخیر، امریکا با دستیابی به فن آوری تولید سلاح‌های هدایت‌شونده مانند هواپیماهای بدون سرنشین پیشرفته، همچنین تجهیز آن‌ها به انواع امکانات پیشرفته جاسوسی، موشک‌های هوشمند و انجام قتل‌های هدفمند، مباحث جدیدی را در جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. به‌کارگیری پهپادها در برخی کشورهای اسلامی چون یمن، سومالی، افغانستان، عراق و به‌ویژه پاکستان شیوع نگران‌کننده‌ای داشته که مورد نارضایتی دولت و مردم این کشور شده است. حملات پهپادها در پاکستان، نقض حریم هوایی و تجاوز به قلمرو حاکمیتی پاکستان بوده است که به موجب آن عده زیادی از مردم غیرنظامی کشته و زخمی و اماکن عمومی تخریب شده‌اند. این حملات عمدتاً غیرمشروع، نقض صریح حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی با توجه به ضرورت و اهمیت بررسی به‌کارگیری پهپادها ابعاد مختلف موضوع را بررسی و حملات هواپیماهای بدون سرنشین را تجزیه و تحلیل کرده است. حال موضع حقوق بین‌الملل و بشردوستانه در خصوص حملات هواپیماهای بدون سرنشین چیست؟ آیا این حملات به واسطه جرم تجاوز و تخطی از موازین جنگی در صلاحیت ICC است؟ پاسخ به این پرسش‌ها از موضوعات بررسی‌شده در مقاله حاضر است.

کلیدواژگان

امریکا، پاکستان، حقوق بشردوستانه، نقض حریم هوایی، هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد).

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: yaser_mokarrami@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

مقدمه

در دهه‌های اخیر با ورود فن‌آوری‌های نوین به عرصه جهانی، به کارگیری بهینه آن‌ها به منظور صلح و با رعایت مصالح انسانی دغدغه جامعه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل و بشریت بوده و به زیر سیطره درآوردن فن‌آوری در برابر حقوق در سطح بین‌المللی به‌ویژه در خصوص هواپیماها و ماهواره‌ها شاید مهم‌ترین نقطه عطف این مقوله است. در خصوص استفاده از هواپیماها از اوایل قرن بیستم اقداماتی در اروپا شکل گرفت که ادامه این فعالیت‌ها موجب شکل‌گیری کنوانسیون شیکاگو در سال ۱۹۴۵ شد (Ram, Sgobba & Dempsey, 2011: 3-4). صاحب‌نظران، کماکان در خصوص این موضوع بحث می‌کنند که آیا فن‌آوری هواپیماهای بدون سرنشین تحول نوینی را در عرصه نظامی پدید آورده است؟ فارغ از پاسخ به این پرسش، ظاهراً هواپیماهای مذبور در زمینه حقوقی تحولی به وجود نیاورده‌اند، لذا قواعد جاری حاکم بر ابزار پرتابی در میدان نبرد، در خصوص قاعده‌مند کردن کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین کفایت می‌کنند. با وجود این، باید مطالعات بیشتری در خصوص درک آثار روان‌شناختی کاربرد وسایل نقلیه بدون سرنشین و آثار وارده بر هدایتگران انسانی و توجه ویژه به عواقب بعدی حملات انجام شده از سوی هواپیماهای بدون سرنشین شکل گیرد (ماری‌الن، ۲۰۱۰). در سال‌های پس از تصویب کنوانسیون شیکاگو دستیابی به فن‌آوری هوایی دیگری به نام هواپیمای بدون سرنشین و به کارگیری آن در برنامه‌های پروازی، به‌ویژه مقاصد نظامی لزوم تدوین و تصویب مقررات قابل اطمینان جدیدی را بیش از پیش نمایان کرد. فعالیت پهپادها، مشکلات و مسائل حقوقی بسیاری پیرامون حدود آزادی استفاده از این تکنولوژی، عملیات جاسوسی، نقض حاکمیت دولت‌ها، تجاوز و مواردی از این قبیل در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است. مقاله حاضر نخست به تاریخچه و آشنایی مختصر با هواپیمای بدون سرنشین اشاره داشته و در قسمت‌های بعدی به دیدگاه حقوق بین‌الملل در خصوص پهپادها، مأموریت‌ها و حملات آن و تحلیل این حملات به‌ویژه در کشور پاکستان پرداخته است.

تاریخچه

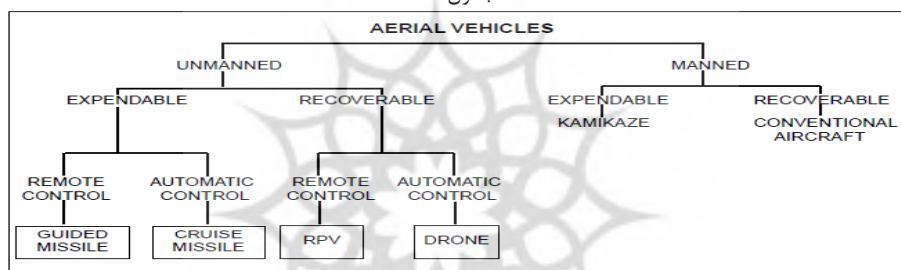
مطابق تعریف وزارت دفاع آمریکا^۱ هواپیمای بدون سرنشین^۲، وسیله‌ای است که هدایت آن

1. US Department of Defense (DOD).

۲. هواپیماهای بدون سرنشین (UAV: Unmanned Aerial Vehicle) به ۲ دسته تقسیم می‌شوند: الف) هواپیماهای کنترل از راه دور (RPV: Remote pilot Vehicle) که کنترل و هدایت این هواپیماها از طریق پایگاه اصلی و از سوی نیروی انسانی انجام می‌شود؛ ب) هواپیماهای هدایت خودکار (Drone) که برنامه هدایت و کنترل این هواپیماها در سیستم خود هواپیما طراحی شده است (LARM DENNIS, 1996: 3). واژه مصطلح در زبان

بدون دخالت مستقیم انسان است و قادر است از دور یا خودکار هدایت شود (Valavanis, 2015: 44). پهپادها مبحث نسبتاً جدیدی است، اما ظهور آن‌ها به جنگ جهانی اول بازمی‌گردد و به کارگیری آن در عملیات نظامی به طور جدی مربوط به جنگ افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱ است (Jones, 1997: xi). مزایایی چون کاهش تلفات انسانی، کم‌هزینه بودن، عملیاتی شدن سریع، طراحی ساده نسبت به هواپیماهای سرنشین‌دار، ابعاد کوچک و قابلیت مخفی ماندن از دید رادارهای پدافندی و ... سبب افزایش تمایل برای طراحی، ساخت و تولید پهپادها شده است (Larm, 1996: 42 & Tsach, othres; 2004: 1). در یک نگاه کلی و کلاسیک و با توجه به نمودار زیر، پهپادها در طبقه بندی وسایل نقلیه هوایی، جزو وسایل نقلیه بدون سرنشین بازگشت‌پذیر محسوب می‌شوند (Ibid, 2).

جدول ۱



امروزه و به ویژه پس از سال ۲۰۱۰ با توجه به پیشرفت فن آوری، از طبقه بندی های جدیدی برای پهپادها بهره می‌گیرند. مطابق این طبقه بندی پهپادهای مدرن امروزی در سه گروه و براساس وزن، ارتفاع پروازی، شعاع عملیاتی و سایر مشخصات قرار می‌گیرند (Valavanis & Vachtsevanos, 2015: 89).

فارسی برای هواپیمای بدون سرنشین؛ پهپاد (پرنده هدایت‌پذیر از دور) است. البته پهپادها شامل همه هواپیماهای بدون سرنشین (مانند Drons) نیستند و فقط بخشی از آن را که اصطلاحاً RPV نامیده می‌شود دربر می‌گیرند، اما به دلیل رایج بودن این واژه در قسمت‌های مختلف منظور از پهپاد همان هواپیمای بدون سرنشین است.

جدول ۲

Class	Category	Normal operating altitude	Normal mission radius	Example platforms
Class I (less than 150 kg)	Small >20 kg	Up to 5,000 ft AGL	50 km (LOS)	Luna, Hermes 90
	Mini 2–20 kg	Up to 3,000 ft AGL	25 km (LOS)	Scan Eagle, Skylark, Raven, DH3, Aladin, Strix
	Micro < 2 kg	Up to 200 ft AGL	5 km (LOS)	Black Widow
Class II (150–600 kg)	Tactical	Up to 10,000 ft AGL	200 km (LOS)	Sperwer, Iview 250, Hermes 450, Aerostar, Ranger
Class III (> 600 kg)	Strike combat	Up to 65,000 ft AGL	Unlimited (BLOS)	
	HALE	Up to 65,000 ft AGL	Unlimited (BLOS)	Global Hawk
	MALE	Up to 45,000 ft AGL	Unlimited (BLOS)	Predator B, Predator A, Heron, Heron TP, Hermes 900

از آغاز ساخت اولین وسیله پروازی هدایت از دور در سال ۱۹۱۶ مهندسان نظامی به دنبال طراحی هواپیمای بدون سرنشینی بودند که در محدوده دشمن قادر به انجام مأموریت جاسوسی یا انتقال مهمات، بدون به مخاطره افتادن جان خلبان باشد. اما شروع طراحی و ساخت پهپادهای مدرن به اوایل دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد که طی آن طراحان امریکایی و اسرائیلی به منظور طراحی هواپیماهایی کوچک با توانایی حمل دوربین‌های ویدئویی که می‌توانست عکس و فیلم را به صورت همزمان به کاربر مربوطه ارسال کنند، اقداماتی را انجام دادند. ارتش آمریکا در سال ۱۹۷۹ برنامه‌ای با نام آکوئیل^۱ برای توسعه هواپیمای بدون سرنشین تدوین کرد که در نهایت با تحمل هزینه‌های زیاد در سال ۱۹۸۷ به شکست این پروژه منجر شد. اما در سال ۱۹۸۲ انهدام پدافند هوایی سوریه در وادی البقاع لبنان^۲ از طریق پهپادهای اسرائیلی ایده‌ای جدید برای دریاسالار جان لمن -فرماندهی نیروی دریایی امریکا- به‌منظور از سرگیری تحقیقات مجدد روی پروژه UAV شده است که در نهایت تلاش‌های نیروی دریایی به ساخت سامانه‌ای پیشرفته منجر شد. این سامانه از سوی نیروی هوایی امریکا توسعه یافت و در منازعات خاورمیانه به‌صورت موفقیت‌آمیزی به کار گرفته شد (H.Cox & other, 2004: 8-9). سوابق تاریخی نشان می‌دهند که نخستین حساسیت‌ها نسبت به پهپادها، به دوران جنگ سرد و مورد اصابت قرارگرفتن هواپیمای جاسوسی (یو-۲)^۳ امریکا بر فراز شوروی سابق از طریق موشک‌های سام ۲ این کشور در می ۱۹۶۰ است (Jones, 1997: 1). حادثه‌ای که سبب شد نیروی هوایی امریکا جایگزینی و توسعه هواپیمای بدون سرنشین را به جای U-2 به طور جدی

1. Aquila.
2. Beqaa Valley.
3. U-2.

در دستور کار خود قرار دهد (P.Ehrhard, 2010: 56). UAVهایی که علاوه بر انجام مأموریت‌های هواپیماهای سرنشین دار، به طور چشمگیری از دید رادارها و پدافند سایر کشورها در امان باشند و به راحتی شناسایی نشوند و مورد اصابت قرار نگیرند. مأموریت‌های هواپیمای بدون سرنشین عمدتاً در دو حوزه عمومی و نظامی طبقه‌بندی می‌شوند. حوزه عمومی شامل کاربردهایی در زمینه امنیت ملی، تجاری، مطالعات زمین شناسی و ... است. اما مهم‌ترین کاربرد هواپیمای بدون سرنشین در زمینه‌های نظامی چون عملیات جاسوسی، عکسبرداری هوایی، گزارش لحظه به لحظه از وضعیت صحنه نبرد، حمله به اهداف، پرتاب موشک‌های هدایت‌شونده و ابزاری برای انجام مأموریت قتل‌های هدفمند^۱ بوده که موجبات بروز مباحث زیادی در حقوق بین‌الملل شده است. در یک نگاه اجمالی می‌توان هواپیمای بدون سرنشین نظامی را در گروه‌هایی چون میکروپهپادها برای شناسایی اهداف انسانی، پهپادهای پشتیبانی تاکتیکی برای حمایت از صحنه نبرد و ... طبقه‌بندی کرد (H.Cox & others, 2004: 14-15). علاوه بر این، می‌توان به پهپادهای نسل جدید اشاره کرد که در مأموریت‌های شناسایی، جاسوسی و تک‌های هوایی قابلیت‌های بسیار بالایی دارند که نمونه آن آرکیو-۲۱۷۰ است که یک فروند از آن بر فراز قلمرو هوایی ایران با استفاده از شیوه‌های خاص سیستم‌های پدافندی ساقط شد (Hin-Yan, 2012: 647).

پهپادها و حقوق بین‌الملل

امروزه پیشرفت‌های علمی قادر به ساخت انواع سلاح‌های هدایت خودکار و هدایت از راه دور است که موجب ایجاد طیف وسیعی از مسائل حقوقی شده است (Ibid: 628). پیشرفت‌های نرم‌افزاری گسترده وسیعی را برای استفاده از جنگجویان بالقوه جدید در جنگ‌های مدرن مانند سلاح‌های هدایت از راه دور به‌ویژه پهپادها ایجاد کرده است (31IC/11/5.1.2, 2011: 36). استفاده از پهپادها سؤالاتی را در ذهن متبادر می‌کند؛ از جمله اینکه به‌کارگیری این فن‌آوری در حملات هوایی به‌منزله سلاحی مخوف و کشنده، آیا فی‌نفسه نقض حقوق بین‌الملل است؟ اگر چنین نبوده است چه مقرراتی برای رسمیت دادن به مأموریت‌های آن وجود دارد؟ کدام رژیم حقوقی بر چنین حملات و اقداماتی احاطه داشته است و مسئولیت تجاوز به قوانین بین‌المللی بر عهده کیست؟ آیا پهپادها با ضرورت حمایت دائم از افراد غیرنظامی تطابق دارند؟ آیا نیاز به قواعد جدیدی برای به‌کارگیری پهپادها است یا خیر؟

۱. Targeted Killing: به‌کارگیری نیروی کشنده به صورت ارادی و با نیت قبلی، از سوی کشورها یا به‌وسیله گروه‌های مسلح سازمان‌یافته در جنگ، با پوشش قانونی بر علیه اشخاص خاص (A/HRC/14/24/Add.6, 2010: 1).

به نظر برخی حقوق دانان، اگر پهپادها برای انجام حملات خود از هر جایی در جهان به پرواز درآیند یا پرتاب شوند، جهان به میدانی برای نبرد تبدیل خواهد شد (International Review of the Red Cross, 2012: 815). لذا در به کارگیری سلاح‌های هدایت‌شونده مانند هواپیمای بدون سرنشین، لازم است روشن شود که این سلاح‌ها چگونه در جنگ‌ها به صورت موفق عمل می‌کنند (Asaro, 2012: 694). به‌واسطه استفاده فزاینده از هواپیماهای بدون سرنشین، رئیس کمیته صلیب سرخ طی مقاله‌ای کاربرد این فن‌آوری را بررسی کرده و اهمیت احترام به قوانین بین‌المللی را متذکر شده است. استفاده از پهپادها صریحاً از سوی قوانین بین‌المللی ممنوع نشده است، اما این پرنده مانند سایر ادوات نظامی مانند هواپیماهای شکاری به‌منزله قسمتی از قوای نظامی دولتی، باید تحت مقررات بین‌المللی باشد (ICRC, 2016). بدین معنی که عملیات پهپادها در مخاصمات تحت حاکمیت حقوق بشردوستانه و در غیر آن مقید به مقررات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون شیکاگو، منشور ملل متحد، اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، اعلامیه تعریف تجاوز ۱۹۷۴ و موازین حقوق بشر باشند.

پهپادها و کنوانسیون شیکاگو

کنفرانس بین‌المللی هواپیمایی کشوری در سال ۱۹۴۴ در شیکاگو برگزار شد. در این کنفرانس بیش از پنجاه کشور حضور داشتند که از طرف آمریکا برای ایجاد یک نهاد حقوقی، در جهت پیشرفت هواپیمایی کشوری پس از جنگ جهانی دعوت شده بودند (جباری، ۱۳۸۵: ۲۱). باید اشاره کرد که نخستین بار کنوانسیون مربوط به هوانوردی (کنوانسیون ۱۹۱۹ پاریس) تعریفی از هواپیما ارائه کرد که طبق آن «هواپیما به هر وسیله‌ای که قادر باشد به هوا برخاسته یا در آن حرکت نماید اطلاق می‌شود». کنوانسیون شیکاگو تغییری در تعریف هواپیما نداد، اما ایکائو در سال ۱۹۶۷ تعریف جدیدی از هواپیما ارائه کرد که مطابق آن، هواپیما به هر وسیله‌ای اطلاق می‌شود که به کمک فشار هوا، به غیر از واکنش هوا در سطح زمین حرکت کند (همو، ۱۳۸۴: ۲۱). با توجه به اینکه دخالت مستقیم عامل انسانی (خلبان) در پرواز دادن وسیله پرنده ملاک تعریف نیست، در نتیجه پهپاد مصداق تعریف کنوانسیون پاریس و تعریف ۱۹۶۷ ایکائو است و مقررات آن‌ها در پاره‌ای جهات شامل پهپاد می‌شود.

دول عضو ایکائو تحت پوشش کنوانسیون شیکاگو عهده دار شدند که اصول موافقت‌نامه بین‌المللی این کنوانسیون را قبول کنند که اولین و مهم‌ترین اصل آن، همانا حاکمیت کامل دول عضو بر فضای هوایی سرزمین خود است (تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۶ و کاظمی، ۱۳۶۶: ۵۹۴). شکی نیست که حاکمیت دولت بر فضای هوایی خود، از اساسی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل معاصر است. نقض حریم هوایی کشورها از سوی هواپیماهای خارجی نقض حقوق بین‌الملل به

شمار می‌رود که حوادث قابل توجهی را نیز موجب شده است (شیخی، ۹۷-۹۸؛ Cooper, 24: 1952). ماده ۳ کنوانسیون، هواپیماهای دولتی کشورهای عضو معاهده، حق ندارند بدون اخذ مجوز بر فراز کشور دیگر پرواز کنند یا در آن فرود بیابند. ماده ۸ کنوانسیون تنها ماده‌ای است که به هواپیمای بدون خلبان اشاره‌ای گذرا داشته و پرواز آن‌ها را به اجازه مخصوص کشوری منوط می‌داند که پهپاد بر فراز آن در حال پرواز است. لذا پهپادها به منزله یک وسیله پرنده تاحدودی تحت رژیم حقوقی کنوانسیون شیکاگو (مواد ۳ و ۸) بوده‌اند و مجوز عملیات در قلمرو سایر دول منوط به کسب رضایت آن دولت‌هاست. اما به نظر می‌رسد قدرت الزامی این دو ماده برای قانونی کردن فعالیت پهپادها در عین صراحت، کافی نیست و مقررات دیگری به‌ویژه در بحث نقض حریم هوایی، مقوله تجاوز، حاکمیت دولت‌ها و نقض موازین حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، مورد نیاز است.

پهپادها، حقوق بشردوستانه و حقوق بشر

از پهپادها در هیچ یک از کنوانسیون‌های کنترل تسلیحات و اسناد بین‌المللی ذکری نشده است، اما استفاده از هر نوع سلاح و شیوه به کارگیری آن‌ها در نبردها که شامل پهپادها نیز بوده، از سوی حقوق بشردوستانه محدود شده است و طرفین جنگ، در زمان به کارگیری پهپادهای نظامی، مانند سایر ادوات جنگی باید میان افراد و اهداف نظامی و غیرنظامی تفاوت قائل شوند (ICRC, 2016). به کارگیری پهپادها در مخاصمات مسلحانه باید به موازین حقوق بشردوستانه محدود و در موقعیت‌های غیرجنگی، تحت کنترل مقررات حقوق بشر باشد. قبل از پرداختن به مبحث اصلی نخست بررسی مشروعیت استفاده از پهپادها در قلمرو سایر کشورها امری ضروری است، لذا در خصوص مشروعیت استفاده از پهپادها باید نکاتی را بررسی کرد. اول اینکه پهپادها به منزله یک سلاح، ابزاری مهم برای پرتاب موشک و بمب به شمار می‌روند، ثانیاً همانند سایر ادوات جنگی باید مشروعیت استفاده از آن‌ها را با توجه به ۳ مقوله حق بر جنگ، حق در جنگ و موازین حقوق بشر ارزیابی کنیم (O Connell & others, 2010: 1). امروزه پذیرفته شده است که حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه باید اجرا شوند. در نتیجه نه تنها کنوانسیون‌های ژنو، بلکه موازین حقوق بشری نیز باید مراعات شوند و هرگونه توسل به زور

۱. با بررسی نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای و در پرتو این نظریه، می‌توان چنین استنباط کرد که پهپادها جزو سلاح‌هایی محسوب می‌شوند که به کارگیری آن‌ها در مخاصمات مسلحانه فی‌نفسه غیرقانونی نیست و تابع مقررات مخصوص مخاصمات مسلحانه‌اند (Advisory Opinion, 1. (C.J. Reports 1996, 226).

حتی به وسیلهٔ پهپادها، باید با رعایت و تضمین حداقل استانداردهای انسانی باشد (Bugnion, 2002: 523).

حق بر جنگ^۱: مشروعیت یا عدم مشروعیت توسل به زور را بیان کرده که این توسل به زور حملات پهپادها را نیز شامل می‌شود و ممکن است از سوی یک کشور علیه کشور دیگر یا علیه شبه‌نظامیان در یک کشور بدون رضایت آن کشور صورت پذیرد (Casey-Maslen, 2012: 601). برای تبیین این مشروعیت بهترین معیار ارزیابی آن استناد به منشور ملل متحد است. بند ۴ ماده ۲ منشور، توسل به زور از سوی یک دولت علیه دولت دیگر را ممنوع کرده است، اما این ممنوعیت مطلق نیست و باید با استناد به استثنائات آن، قانونی یا غیرقانونی بودن عملیات پهپادها را تبیین کرد. مطابق این استثنائات اقدامات پهپادها باید مبتنی بر رضایت کشور هدف باشد یا توسل به زور بر مبنای دفاع مشروع و در پاسخ به حملهٔ مسلحانه یا تهدید حتمی و قریب‌الوقوع شکل گیرد (Stanford Law School, 2012: 105). استثنای سومی هم می‌توان به دو استثنای قبلی افزود مبنی بر اینکه استفاده از پهپادها در قالب عملیات مشروع و با مجوز شورای امنیت باشد. استناد قانونی و مستدل به این ۳ استثنا دلیلی بر مشروعیت عملیات پهپادها خواهد بود.

حق در جنگ^۲: جدای از مشروعیت یا عدم مشروعیت عملیات پهپادها و شرکت آن‌ها در حملات نظامی، چون این پرنده‌ها ابزار نظامی به شمار می‌روند پس در یک مخاصمهٔ مسلحانه حاکمیت حق در جنگ یعنی هدایت رفتاری نیروهای مسلح، نحوه و اندازهٔ به‌کارگیری ابزارهای نظامی ضرورت می‌یابد. مطابق آن قاعده، به کارگیری قوای نظامی باید منطبق بر اصول تفکیک، تناسب و ضرورت باشد. اگر کشوری به استفاده از پهپادها متوسل شد، این عمل زمانی مشروع است که پیش‌بینی معقولی از موفقیت در انجام اهداف نظامی داشته باشد. اگر راهی برای از پا در آوردن دشمن یافت نشود، یا پیش‌بینی‌های نظامی در حملات، کوچک‌ترین شانسی برای موفقیت نداشته باشد، استفاده از پهپادها یا سایر اشکال قوای نظامی غیرقانونی خواهد بود. حتی اگر توسل به قوای نظامی، شانسی برای موفقیت داشته باشد، اصل تفکیک و تناسب الزام می‌کند که موجودیت افراد و اماکن غیرنظامی نبایست قربانی اهداف نظامی و به طرفین درگیر تلفات خارج از حد وارد شود (O Connell & other, 2010: 2). یکی از مباحث مهم در حملات پهپادها، بررسی قابلیت انطباق شیوهٔ حملات و تلفات وارده از سوی این پرنده، با اصول حقوق بشردوستانه است. در این خصوص اصل تفکیک به منزلهٔ مهم‌ترین قاعدهٔ حقوق بشردوستانه است، بدین معنی که حمله‌کننده هنگام اجرای عملیات نظامی باید میان افراد و اماکن نظامی و غیرنظامی، قائل به تفکیک باشد تا افراد و اماکن غیرنظامی متحمل تلفات نشوند (ICRC, 2011: 10).

1. Jus ad bellum.
2. Jus in bello.

3 (VOLUME I, 2009). در این خصوص، ماده ۴۸ پروتکل اول ۱۹۷۷ مقرر می‌دارد: «به‌منظور تضمین و حمایت نسبت به سکنه غیرنظامی و اموال غیرنظامی، طرف‌های مخاصمه باید همواره بین سکنه غیرنظامی و رزمندگان و نیز بین اموال و اهداف نظامی تمایز قائل شده و از همین قرار می‌بایست عملیات خود را فقط متوجه اهداف نمایند».

حامیان استفاده از این هواپیما همواره مدعی‌اند که پهپادها حملات دقیق تری انجام می‌دهند و این سبب کاهش تلفات و تخریب اماکن می‌شود. اما همزمان، ادعای دیگری وجود دارد که به امکان اشتباه و کشته و زخمی شدن افراد غیرنظامی در حملات پهپادها تأکید دارد (ICRC, 2016). مخالفان همچنین استدلال می‌کنند که استفاده از پهپاد یکی از نگرانی‌ها و موانع اصلی وقوع جنگ را که خطر موجود برای نیروهای خودی است از بین می‌برد، که این مسئله سبب افزایش احتمال وقوع جنگ و تسهیل حمله می‌شود. کشتار آسان اهداف مدنظر در شرایطی که هیچ خطری مورد توجه خلبان هواپیما نیست از مسائل بسیار مهمی است که نمی‌بایست در خصوص مبانی مشروعیت پهپادها از نظر دور نگه داشته شود (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۷۱). از سوی دیگر، ضعف پهپادها در رعایت موازین حقوق بشردوستانه مشهود بوده است. برای مثال، ناتوانی هواپیمای بدون سرنشین در جهت اسیرکردن نیروهای نظامی دشمن که دست از جنگ کشیده‌اند از نمونه کاستی‌های آن است (W.Singer, Volume 457: 2012, 94). در خصوص هواپیمای بدون سرنشین و در نگاه نخست رعایت اصل تفکیک و تناسب شاید بدیهی به نظر برسد، اما با کمی تأمل می‌توان به نتیجه دیگری نیز رسید. احتمالاً استدلال شود که هواپیمای بدون سرنشین از طریق ایستگاه‌های زمینی در اتاق‌های کنترل و فرماندهی، با بهره‌گیری از سیستم‌های کنترل ماهواره‌ای یا برنامه کنترل اتوماتیک یا کنترل از راه دور، هدایت می‌شود و توانایی تشخیص تفکیک و ضرورت با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های پیشرفته را دارد. اما باید توجه داشت که این پرنده‌ها، بدون خلبان و یک ربات جنگی به دور از تعقل و احساسات انسانی‌اند و در موقع حمله به اهداف، قادر به تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان نیستند و در نمونه‌های زیادی از این نوع حملات، مردم غیرنظامی و کودکان در پاکستان و افغانستان، یمن و سومالی کشته و زخمی شده‌اند. اعتماد به یک ماشین جنگی درباره رعایت تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان یا رعایت اصل ضرورت و تناسب اغراق‌آمیز است و در نهایت این انسان متفکر و دارای عواطف انسانی است که در مقام تصمیم، آخرین حرف را می‌زند.^۱

برخی سلاح‌ها موجب تلفات غیرضروری در مخاصمات مسلحانه می‌شوند، لذا چنین

۱. از جمله خطرهای استفاده مخفی و غیرقانونی از هواپیمای بدون سرنشین، احتمال برخورد آن‌ها با هواپیماهای مسافربری و وقوع فاجعه انسانی است. همچنین، اختلال در سیستم ارسال اطلاعات از مبدأ به مقصد و بالعکس و از کنترل خارج شدن پهپاد، خطرهای آسیب‌های عمده‌ای را متوجه غیرنظامیان می‌کند.

سلاح‌هایی که سبب نابودی گسترده شوند، از سوی حقوق مخاصمات مسلحانه منع شده‌اند. به کارگیری سلاح‌هایی مانند پهپادها، نه تنها علیه غیرنظامیان، بلکه استفاده آن‌ها علیه سربازان متخاصم که موجب ایجاد تلفات غیرضرور شده است، باید ممنوع باشد. حقوق مخاصمات مسلحانه تحت شرایطی خاص مجوز کشتن دشمن در عرصه نبرد را داده است، اما این مجوز دلیلی برای کشتن بی‌رحمانه و با هر روش و وسیله‌ای نیست (Kolb & Hyde, 2008: 153). بند اول ماده ۳۵ پروتکل الحاقی شماره یک ۱۹۷۷ در خصوص شیوه‌ها و وسایل جنگی است که به محدودیت و ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و شیوه‌های جنگی که به آوردن صدمات بیش از حد منجر می‌شود پرداخته است. اما بررسی نتایج حملات پهپادها در هدف قراردادن گروه‌های شبه‌نظامی و غیرنظامیان نشان داد که این حملات گاه‌گور و بی‌رحمانه بوده و موجب ایجاد آسیب‌های غیرضرور علیه آن‌ها شده است (Ibid: 153-154). بند ۴ ماده ۵۱ پروتکل اول ۱۹۷۷ نیز با برشمردن مصادیق حملات کورکورانه آن‌ها را ممنوع کرده است.^۱

چنانکه پیش‌تر گفته شد، با توجه به نظر مهم مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ میلادی، با تحلیل این نظر، می‌توان این چنین نتیجه گرفت که هواپیماهای بدون سرنشین از جمله جنگ‌افزارهایی محسوب می‌شوند که بهره‌گیری از آن‌ها در مخاصمات مسلحانه فی‌نفسه غیرقانونی نیست و تابع مقررات مخصوص مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه‌اند (Advisory Opinion, 1. C.J. Reports 1996: 226). از سوی دیگر، در خصوص حملات پهپادها، علاوه بر توجه به مقوله‌های حق بر جنگ و حق در جنگ مهم‌ترین قواعد حقوق بشردوستانه، توجه به رعایت موازین حقوق بشر است. حقوق بشر، اغلب جنبه عام دارد که رعایت آن در دوران صلح و جنگ الزامی است (Amnesty International, 2010: 16) و در مواردی با حقوق بشردوستانه، که مختص زمان جنگ است، تفاوت دارد. البته هنگام جنگ در صورت تعارض میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، اجرای قانون خاص ارجحیت دارد و عمدتاً این دو حقوق با هم رابطه تکمیلی دارند. در زمان جنگ و هنگامی که مصادیقی چون حق حیات و حق امنیت به واسطه حملات پهپادها تهدید می‌شود، این حقوق بشر است که به کمک حقوق بشردوستانه می‌آید و نواقص آن را برطرف می‌کند.

۱. طبق بند ۴ ماده ۵۱ این کنوانسیون برخی مصادیق حملات کورکورانه عبارت‌اند از: حمله‌هایی که علیه یک هدف نظامی به‌خصوص صورت نگیرد؛ حمله‌هایی که با استفاده از روش‌ها و وسایل جنگی صورت گیرد که نتوان آن را علیه یک هدف نظامی به‌خصوصی به کار گرفت؛ حمله‌ای که انتظار می‌رود به طور اتفاقی موجب صدمه جانی به افراد غیرنظامی، مجروح شدن آن‌ها و وارد آوردن خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آن‌ها شود که نسبت به مزیت‌های نظامی مشخص و مستقیمی که پیش‌بینی شده است، زیاده از حد باشد؛ و ...

حملات پهپادها، مبحث تجاوز و طرح مسئولیت

تجاوز با سایر جرایم داخل در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری یعنی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی تفاوت عمده‌ای دارد و زمینه مناسبی برای ارتکاب جرایم ذکرشده را فراهم می‌کند و برخلاف سایر جرایم بین‌المللی، این جرم فقط از سوی اشخاصی صورت می‌گیرد که در سیاست کلان یک کشور جایگاه بانفوذی دارند (CRYER & others; 2010: 312-318). به مفهوم تجاوز به منزله یک جرم در حقوق بین‌الملل عرفی توجه بسیاری شده است، اما با وجود شمول جرم تجاوز در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی با پافشاری کشورهای عضو عدم تعهد صورت گرفت (A. SCHABAS; 2007: 133). برای تعریف این واژه توافق جهانی چندانی به دلیل مباحثات سیاسی و ورود شورای امنیت به منزله نهاد سیاسی در احراز عمل تجاوز، وجود ندارد (شایگان فرد، ۱۳۸۷: ۲۵۶-۲۶۷). امروزه عمده کشورهای دارنده پهپاد، اعضای دائم شورای امنیت اند که به راحتی و با استفاده از حق وتو، می‌توانند بدون هیچ هراسی از این نوع هوایما بر فضای سایر کشورها، با وجود نارضایتی آن‌ها، پروازهای مختلف انجام دهند و قلمرو حاکمیتی آن‌ها را نقض کنند. با توجه به اسناد بین‌المللی به‌ویژه بند ۴ ماده ۲ منشور و قطعنامه ۱۹۷۴ تعریف تجاوز به‌ویژه مواد ۱ تا ۴ می‌توان حملات پهپادها و نقض حریم هوایی کشورها را مصداق تجاوز قلمداد و عاملان به این جنایت را در دیوان کیفری مطابق قسمت اخیر ماده ۲۵ اساس‌نامه دیوان محاکمه کرد. بند ۳ مکرر ماده ۲۵ مقرر می‌دارد: «در مورد جرم تجاوز، مقررات این ماده فقط در مورد اشخاصی اجرا می‌شود که به طور مؤثر می‌توانند فعالیت‌های سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت کنند». این بند در کنفرانس بازنگری اساس‌نامه دیوان کیفری (کنفرانس کامپالا ۲۰۱۰) به ماده ۲۵ افزوده شد. دیوان در خصوص جرم تجاوز، این‌گونه فرض گرفته است که فقط برخی اشخاص با موقعیت خاص توان انجام این کار را دارند. در صورت اثبات تجاوز و احتمالاً جنایاتی که متعاقب جنایت تجاوز رخ می‌دهد به‌ویژه جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت دولت مطرح می‌شود. مسئولیت کیفری فردی، عمدتاً در چارچوب ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح می‌شود. در واقع حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو ضمانت اجرا دارد؛ نخست: مسئولیت دولت‌ها و دیگر مسئولیت کیفری افراد. مسئولیت کیفری افراد، ضمانت اجرایی است که تا اندازه‌ای خاص حقوق بشردوستانه است، اما باید توجه کرد، زمانی که جرم بین‌المللی از سوی عمل فردی انجام شده و این فرد جزو مقامات عالی‌رتبه دولتی است

۱. ماده ۱ مقرر می‌دارد: «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، آنچنان‌که در این تعریف آمده است».

یا جرم مذکور به هر طریقی قابل انتساب به کشور باشد، مسئولیت همزمان دولت و فرد را در پی دارد (Eser, 2002: 779). باید اشاره کرد برخلاف هنجارهای حقوق بشری، جز در مواردی مانند جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، عمدتاً بر مسئولیت دولت‌ها متمرکزند و مستقیماً افراد را متعهد نمی‌کنند، در حقوق بشردوستانه، مسئولیت کیفری فردی محوریت دارد و به منزله ضمانت اجرا در کنوانسیون‌های ژنو پیش‌بینی شده است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۳۶-۴۳۷). با توجه به این تحلیل اساساً در انجام تک‌های هوایی میان شکاری- بمب‌افکن و پهپاد تفاوت‌هایی وجود دارد. مهم‌ترین تفاوت در خصوص استفاده‌کردن یا نکردن از خلبان سرنشین است، لذا در یک مخاصمه مسلحانه، اگر خلبان هواپیمای شکاری موازین حقوق بشردوستانه را نقض کند، می‌توان وی و مافوق وی را که دستور خارج از موازین صادر کرده است به اتهام مواردی نظیر اقدام به جنایات جنگی در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی به پای میز محاکمه کشاند. اما در خصوص پهپاد به‌منزله سلاحی اتوماتیک یا کنترل از راه دور، قضیه متفاوت است و اصولاً خلبانی برای محاکمه و طرح مسئولیت فردی وجود ندارد. استفاده از سلاح‌های خودکار و هدایت از راه دور، در بحث مسئولیت فردی اشخاص در رعایت اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، پیچیده است. اما در حالت کلی کنترل‌کننده زمینی مسئول است و عنصر انسانی این وضعیت قلمداد می‌شود (Litt & Eskiev, 2012: 11-12 & Casey-Maslen, 2012: 599).

در پهپادها، عوامل اجرایی جنگ‌افزارهای هدایت‌شونده، باید از میدان نبرد دور باشند، اما در نهایت مسئولیت هدایت این سلاح، موشک‌ها و شناسایی اهداف با این افراد است. پرسنل هدایت‌کننده تحت نظر یک سری از دستورات و مسئولیت‌ها عمل می‌کند، بنابراین با توجه به مقررات بین‌المللی عوامل اجرایی هدایت پهپادها و زنجیره انسانی مربوط به آن‌ها مسئول تمام اتفاقات به شمار می‌روند. لذا عوامل اجرایی پهپادها، چون از میدان جنگ هزاران کیلومتر دورند، از مسئولیت‌هایی مانند پیش‌بینی‌های لازم در حملات و تضمین اصل تفکیک و تناسب معاف نخواهند شد. می‌توان چنین نتیجه گرفت که عوامل اجرایی هدایت پهپادها، با خلبان‌های هواپیمای شکاری و بالگردهای نظامی تفاوتی ندارند و وظایف آن‌ها براساس مقررات بین‌المللی معین است و در حوزه اجرای این قوانین هیچ تفاوتی با بقیه ندارند (ICRC, 2016). موضوع اصلی حقوق بین‌الملل، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی‌اند، اما در ورای شخصیت حقوقی کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی، اشخاص و افراد حقیقی، ایفای نقش می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۵۵). لذا مسئولیت کیفری فردی برای عوامل کنترل پهپادها، بیانگر آن است که تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم، تأثیری در مسئولیت مدنی دولت متبوع وی در جبران خسارات ناشی از جرم نداشته است و دولت مکلف به جبران خسارت، عذرخواهی، اعاده وضعیت به حالت قبلی بوده و این امر در نهادهای بین‌المللی قابل پیگیری است. برای نمونه در ارزیابی مقوله انطباق حملات غیرقانونی پهپادها بر مبحث تجاوز، با بهره‌گیری از طرح نماینده

کلمبیا در دهمین کمیسیون مقدماتی ۲۰۰۲، در خصوص تفکیک و تعریف جنایت تجاوز از عمل تجاوز می‌توان عمل کرد. بدین ترتیب در خصوص جنایت تجاوز یعنی عمل ارتكابی از سوی افرادی که در موقعیت اعمال کنترل یا اداره مؤثر اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت، طرح ریزی، آغاز یا درگیر شدن در یک عمل تجاوز را دستور می‌دهند یا فعالانه و عالمانه در آن مشارکت می‌کنند، در دیوان کیفری با حصول شرایط خاص اساس نامه دیوان می‌توان علیه این افراد به منزله متهم اقامه دعوی کرد. همچنین، در خصوص عمل تجاوز به معنی عمل ارتكابی یک دولت آن گونه در قطعنامه (۲۹) ۳۳۱۴ مجمع عمومی ۱۹۷۴ تعریف شده است، که به دلیل ویژگی‌ها، شدت یا مقیاس آن به جنگ تجاوز کارانه منجر می‌شود یا ممنوعیت اقدامات علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، مندرج در منشور ملل متحد را نقض می‌کند (PCNICC/2002/WGCA/DP.3). می‌توان علیه دولت متجاوز در نهادهای حقوق بشری یا دیوان بین‌المللی دادگستری با حصول شرایطی اقامه دعوی یا مسئله را در مجمع عمومی یا شورای امنیت سازمان ملل برای محکومیت و اقدام علیه متجاوز مطرح کرد.

عملیات پهپادهای امریکایی بر فراز کشورها

فرایند تاریخی رفتار سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به منظور توسعه طلبی این کشور سیر صعودی داشته و همواره صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کرده است (سلمانی قهپازی، ۱۳۸۵: ۴۵). حملات اخیر به افغانستان و عراق و پرواز غیرقانونی پهپادهای امریکایی در برخی کشورها مؤید این موضوع است. امروزه کاربرد نظامی پهپادها برای تجسس، نابود کردن و کشتن مانند آنچه دولت امریکا تحت تعریف تروریسم در کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان مرتکب می‌شود، فزونی یافته است (3: litt & Eskiev, 2012). اندکی پس از حملات ۱۱ سپتامبر سازمان اطلاعات امریکا^۱ به منظور استفاده از پهپادها در انجام مأموریت‌های مختلف در افغانستان گام‌هایی برداشت و در این زمینه نسبت به وزارت دفاع امریکا سریع‌تر عمل کرد. این عملیات سیاسی امریکا به واسطه شرایط اضطراری به وجود آمده آن روزها تقریباً به دور از مباشرت و نظارت کاخ سفید و کنگره امریکا انجام شد و فقط تعداد اندکی از دولتمردان امریکایی از جزئیات این عملیات آگاهی داشتند (33: Vol. 10, 2011: Wrage). بیشترین حملات امریکا از طریق هواپیماهای بدون سرنشین در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان بوده است، البته در کشورهایی چون عراق، سومالی و جنوب یمن نیز فعالیت‌های پهپادهای امریکایی به وفور گزارش شده‌اند. این اقدامات به غیر از پرواز پهپادهای جاسوسی سیا و ارتش امریکا است

1. CIA.

که کمتر بدان اشاره شده است و همواره در آسمان کشورهای مذکور به صورت مخفیانه فعالیت می‌کنند.

نخستین بار بحث قتل هدفمند تحت عنوان برنامه ضد تروریسم در یمن در نوامبر ۲۰۰۲ میلادی از طریق پهپادی نظامی انجام شد که طی آن سلیم‌السنان^۱ از رهبران القاعده به همراه چند نفر دیگر که مظنون به بمب‌گذاری علیه منافع امریکا بودند، کشته شدند. البته این حمله در آن زمان با رضایت ضمنی دولت یمن همراه بود (Breau & other, 2011: 6-19: 9A/HRC/14/24/Add.6, 2010). اسناد و گزارش‌های منتشرشده، نشان می‌دهد که از ابتدای ۲۰۰۲ تا مارس ۲۰۱۶ حدود ۱۲۹ مورد عملیات پهپادها در یمن انجام شده است و در مجموع (۹۲۲-۱۱۸۰) نفر کشته شده‌اند که از این تعداد (۸۷-۹۳) نفر غیرنظامی و تعدادی کودک نیز در میان کشته‌شدگان بوده‌اند (yemen-analysis, 2016). همچنین از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ در پی ۱۲ مورد حمله پهپادها در سومالی حدود (۱۴۱-۱۹۲) نفر کشته شده‌اند که حدوداً ۳۷ نفر آن‌ها غیرنظامی بوده‌اند و عده‌ای نیز در شمار مجروحان این حملات بودند (Ibid). این آمارها مربوط به حملات تأییدشده پهپادها بوده و کشته‌شدگان و مجروحان حملات مخفی سرویس‌های نظامی و جاسوسی امریکا علاوه بر این اعداد منتشر شده است.

حملات پهپادها در قلمرو پاکستان

در این قسمت به دلیل گستردگی حوزه جغرافیایی حملات پهپادهای امریکایی در کشورهای اسلامی عمدتاً حملات در پاکستان را به‌ویژه مناطق مرزی این کشور با افغانستان به‌خصوص منطقه FATA^۲ و دو شهر وزیرستان جنوبی و شمالی که بیشترین حملات در آنجا صورت گرفته است و در نتیجه آن عده کثیری از غیرنظامیان کشته و زخمی شده‌اند بررسی می‌کنیم. طبق اسناد و گزارش‌ها از ژوئن ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۱۶ به دلیل حملات پهپادهای امریکایی حدود (۳۹۹۹-۲۴۹۷) نفر پاکستانی کشته شده‌اند که (۴۲۳-۹۶۵) نفر آن‌ها شامل افراد عادی بوده‌اند. در میان کشته‌شدگان (۱۷۲-۲۰۷) کودک و (۱۱۶۱-۱۷۴۴) زخمی وجود داشته است. پهپادهای امریکایی با پروازهای مداوم ۲۴ ساعته بر فراز مناطق مرزی شمال غرب پاکستان، به خانه‌ها، وسایل نقلیه و اماکن عمومی بدون اخطار قبلی حمله می‌کنند (The Bureau of Investigative Journalism, 2016). مقامات رسمی پاکستان در دهه اخیر به‌کرات نارضایتی خود را از این حملات اعلام و این حملات را نامشروع و نقض تمامیت ارضی پاکستان قلمداد

1. Salim Sinan Al-Harethi.

۲. Federally Administered Tribal Areas: منطقه‌ای از پاکستان که در نواحی مرزی با افغانستان واقع شده است و تحت کنترل گروه‌های شبه‌نظامی طالبان پاکستانی قرار دارد.

کرده‌اند (Stanford Law School, 2012: 17). در دو دههٔ اخیر امریکا مجموعاً ۴۲۳ تک هوایی از طریق هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان انجام داده که ۵۱ مورد آن از تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۴ تا ۲ ژانویه ۲۰۰۹ در دوران جرج بوش و مابقی از ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ در دوران باراک اوباما بوده است (The Bureau of Investigative Journalism, 2016). در سال ۲۰۱۳ میلادی دادگاه عالی پیشاور^۱ طی حکمی ضمن محکومیت حملات پهپادهای امریکایی مسئول مستقیم این حملات و کشتار شهروندان پاکستانی و تخریب اماکن عمومی را پنتاگون، سازمان سیا و رئیس‌جمهور امریکا عنوان کرده است (JUDGMENT No.1551-P/2012, 2013: 3-5). اعتراضات دولت پاکستان بعد از پرویز مشرف و حکم دادگاه عالی پیشاور، مبین نارضایتی حکومت پاکستان بر ادامهٔ عملیات هواپیماهای بدون سرنشین در قلمرو این کشور، نامشروع بودن آن را اثبات کرده است و در نتیجه نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

در مذاکرات میان دولت امریکا و پاکستان، حملات پهپادهای امریکایی از مهم‌ترین مسائل مورد بحث در میان نمایندگان دو کشور بوده است. پارلمان پاکستان بارها در مصوبات خود ضمن اعتراض شدید به چنین تجاوزاتی خواستار توقف این‌گونه حملات بوده است (Kronstadt, 2012: 5-9). تنها در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۱۱۸ حمله از طریق پهپادها علیه اعضای القاعده و شبه‌نظامیان طالبان در مناطق غربی پاکستان انجام شده که علاوه بر اهداف مذکور کشته‌شدن غیرنظامیان را نیز به دنبال داشته است. پاکستان مکرراً به این حملات اعتراض کرده و احساسات ضد امریکایی در میان مردم پاکستان به واسطهٔ نقض حاکمیت این کشور فزونی یافته است. پارلمان پاکستان در آوریل ۲۰۱۲ طی مصوبه‌ای خواستار محدودیت و تعویق روابط میان پاکستان و امریکا شده است و هرگونه توسعهٔ روابط میان دو دولت را به رعایت شرایط ۱۴ گانهٔ این مصوبه منوط کرد. توقف حملات پهپادهای امریکایی، احترام به تمامیت ارضی پاکستان، توقف عملیات نظامی و جاسوسی از مهم‌ترین محورهای این مصوبه بود (Ibid: 14-15). در اواخر می ۲۰۱۲ وزارت خارجهٔ پاکستان طبق بیانیه‌ای اعلام می‌دارد: «ما قویاً حملات پهپادها را محکوم کرده و آن را نقض تمامیت ارضی سرزمین خود تلقی می‌نماییم. این حملات نامشروع، زیان‌بخش، غیر قابل قبول و نقض شدید حقوق بین‌الملل می‌باشد» (Ibid: 21). اما با وجود این، بسیاری از شاهدان به رضایت ضمنی مقامات پاکستانی در خصوص حملات پهپادهای امریکایی اعتقاد دارند. طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ دولت پاکستان در زمان زمامداری پرویز مشرف سعی بر مخفی نگه داشتن حملات پهپادهای امریکایی و اذعان به نقش عملیات ارتش پاکستان در این امر داشت. از آغاز عملیات قتل‌های هدفمند پهپادهای امریکایی در سال ۲۰۰۴ در منطقهٔ FATA، ارتش پاکستان مجوز استفاده از دو پایگاه هوایی شمس در بلوچستان جنوبی و شهباز در یعقوب‌آباد را به سازمان سیا اعطا کرد. البته هیچ‌گونه توافق‌نامهٔ رسمی بین واشنگتن

1. Peshawar High Court.

و اسلام‌آباد در خصوص حملات پهپادها در قلمرو حاکمیتی پاکستان وجود نداشته و اساساً بعد از پایان دولت پرویز مشرف روند اعتراضات علنی و رسمی دولت پاکستان به حملات پهپادهای امریکایی آغاز شده است (ICG Asia Report No. 247, 2013: 1). در بخش قبلی از ممنوعیت توسل به زور در منشور مطابق بند ۴ ماده ۲ و استثنائات مربوط بدان بحث کردیم. لذا آنچه امروزه در پاکستان در پی حملات پهپادهای امریکایی روی می‌دهد، باید مطابق بر استثنائات مندرج در متن منشور باشد. توضیح اینکه عملیات پهپادها در قلمرو پاکستان برای کسب مشروعیت باید مبتنی بر رضایت رسمی و قانونی دولت پاکستان یا در قالب سیستم دفاع مشروع با حصول شرایط منشور و با مجوز قانونی شورای امنیت باشد.

در خصوص استثنای اول، در سال‌های اخیر با روی کار آمدن دولت‌های جدید پاکستان، مواضع آن‌ها نشانگر نارضایتی و محکومیت حملات پهپادهای امریکایی از سوی دولت و مردم پاکستان بوده است و این حملات را برخلاف حقوق بین‌الملل و نقض حاکمیت پاکستان دانسته‌اند. براساس اسناد سایت رسمی وزارت خارجه پاکستان، دولت اسلام‌آباد از ۲۰۰۹ تا جولای ۲۰۱۶ بیش از ۱۶ اعتراض رسمی در این مورد داشته است (Ministry of Foreign Affairs Pakistan, 2016). از سوی دیگر، در نارضایتی پاکستان، توسل به زور در قلمرو این کشور شامل حملات پهپادها، زمانی مشروع بوده است که مبنای آن استناد به دفاع مشروع باشد. از مهم‌ترین دست‌آویزهای ایالات متحده برای توجیه اقدامات خود در پاکستان استناد به حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و مبارزه با تروریسم بوده است، اما این استناد، مبنای حقوقی مستحکمی ندارد و نمی‌توان آن را در چارچوب استفاده از حق دفاع مشروع توجیه کرد (A/HRC/14/24/Add.6, 2010: 39). در نهایت اعتراضات دولت پاکستان بعد از پرویز مشرف و حکم دادگاه عالی پشاور در سال ۲۰۱۳، همچنین اقدامات پارلمان این کشور در اعتراض به عملیات پهپادها بر فراز پاکستان، مبنی نارضایتی پاکستان بر ادامه عملیات هواپیماهای بدون سرنشین در قلمرو این کشور بوده و نامشروع بودن آن را اثبات کرده است و در نتیجه نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. دولت پرویز مشرف رضایت ضمنی بر انجام این‌گونه اقدامات دارد، اما موضع‌گیری‌های اخیر پاکستان، نامشروع بودن عملیات پهپادها را بیش از پیش آشکار می‌کند.

عفو بین‌الملل در گزارش ۲۰۱۳ خود نگرانی‌اش را نسبت به تفسیر افراطی امریکا از مفهوم خطر قریب‌الوقوع^۱ و به‌کارگیری نیروی کشنده^۲ در دفاع مشروع اعلام کرده است، زیرا به موجب موجب موازین بین‌المللی توسل به زور زمانی مشروع است که مطلقاً اجتناب‌ناپذیر باشد (Amnesty International, 2013: 5). حملات ۱۱ سپتامبر در هاله‌ای از ابهام است و مسببان

1. Imminence.
2. lethal force.

اصلی آن صریحاً شناسایی نشده و انگشت اتهام دولت امریکا به سوی القاعده همچنان در حد اتهام اثبات نشده باقی مانده است. از سوی دیگر، حملات پهپادهای امریکایی در برخی مناطق پاکستان هیچ‌گونه مجوزی از ارکان صلاحیتدار سازمان ملل کسب نکرده است و به طور کلی این حملات تعرض به حقوق بین‌الملل و نقض تمامیت ارضی پاکستان و مستلزم رسیدگی در مجامع حقوقی و سیاسی است. اذعان بر نامشروع بودن این اقدامات و حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی گاهاً از زبان مقامات صلاحیتدار سازمان ملل متحد و برخی گزارشگران ویژه و نهادهای حقوق بشری نیز شنیده می‌شود.

براساس گزارش دیدبان حقوق بشر حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در پاکستان و کشته شدن صدها شهروند پاکستانی علاوه بر شبه‌نظامیان طالبان، نقض قوانین جنگی و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی پاکستان است (Human Rights Watch, 2010: 2). در سال ۲۰۰۹ نیز فلیپ آلستون گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص اعدام‌های فراقانونی و خودسرانه در گزارشی به کمیته سوم مجمع عمومی به‌کارگیری پهپادها از سوی امریکا بر فراز افغانستان و پاکستان را نقض حقوق بین‌الملل دانسته است (news, 2009un). بان‌کی‌مون دبیرکل سازمان ملل در مارس ۲۰۱۳ اعلام کرد به‌کارگیری پهپادهای نظامی در حملات هوایی موجب تلفات سنگین به غیرنظامیان شده است و باید از طریق مقررات حقوق بین‌الملل و بشردوستانه محدود شود. نمایندگی پاکستان بارها نارضایتی خود را به گزارشگران ویژه سازمان ملل اعلام کرده و این عمل امریکا را غیرقانونی، نقض حاکمیت و تمامیت ارضی پاکستان قلمداد کرده است (2013aaj.tv). علاوه بر این، ناوی پیلای، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، نگرانی خود را از حملات پهپادهای امریکایی در پاکستان و کشته و زخمی شدن غیرنظامیان، اعلام کرده و کشورها را به انجام تعهدات بین‌المللی و توجه به موازین حقوق بین‌الملل در این زمینه فراخواند (Columbia Law School, 2012: 4). همچنین در ۲۰۱۳ دیوان عالی پیشاور، حملات پهپادهای امریکایی را غیرقانونی دانسته است و آن را نقض حاکمیت پاکستان، تعرض به حقوق بشر و نیز نقض کنوانسیون‌های ژنو اعلام کرده است و رأی به محکومیت آن داد. در این حکم از دولت خواسته شده است که موجبات توقف این حملات و زمینه صدور قطعنامه شورای امنیت علیه امریکا را در این خصوص فراهم کند (open society foundations, 2013 & JUDGMENT No. 1551-P/2012, 2013: 22).

جدای از قانونی یا غیرقانونی بودن حملات پهپادهای این کشور به برخی مناطق پاکستان و کشتار شبه‌نظامیان و افراد غیرنظامی و تخریب اماکن، آیا وضعیت موجود قسمتی از یک وضعیت جنگی محسوب می‌شود یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، موازین حقوق بشردوستانه در این خصوص جاری خواهد شد.

ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را تعریف و با

محتوای مختصر قواعد بشردوستانه مهمی را تدوین کرده است؛ قواعدی که باید حتی در یک مخاصمه داخلی محترم شمرده شوند. تصویب ماده ۳، انحصار مقررات بشردوستانه به مخاصمات بین‌المللی را شکست و دولت‌ها را متعهد کرد تا هنگام نبرد، با شهروندان رفتاری منطبق بر اصول انسانیت و حقوق بین‌الملل در پیش گیرند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶: ۴۱). هدف از طرح این طبقه‌بندی این است که وضعیت پاکستان و حملات پهپادهای امریکایی را بررسی کند و به این پرسش که این حملات در صورت انطباق بر وضعیت جنگی، داخل در کدام طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه است، پاسخ دهد.

مسئله وضعیت کنونی پاکستان به دنبال وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان و آغاز درگیری با گروه‌های مسلح طالبان و القاعده با قوای نظامی امریکا و ناتو ایجاد شده است. لذا از دیدگاه حقوق دانان وضعیت موجود کنونی یعنی جنگ در افغانستان و حملات پهپادها در پاکستان علیه این گروه‌ها، داخل در تعریف مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی بوده است،^۱ بنابراین قواعد و موازین این نوع مخاصمات بر حملات انجام‌شده در پاکستان حاکم خواهد بود (Breau & other, 2011: 6-9). حال با وجود این ارتباط و مخاصمه مسلحانه، حملات پهپادهای امریکایی باید در چارچوب حقوق بشردوستانه باشد و به رعایت اصول بنیادینی چون اصل تفکیک، اصل تناسب، اصول حقوق بنیادین بشر و ضروریات نظامی مقید شود (Stanford Law School, 2012: 112). حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی نسبت به همه افرادی که در درگیری‌ها شرکت ندارند باید در هر حالتی که باشند رفتاری انسانی روا دارند و شخصیت آن‌ها محترم بماند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۳). از این رو علاوه بر افراد طرفین درگیر در پاکستان، غیرنظامیان و به‌ویژه افراد آسیب‌پذیر تحت حمایت حقوق بشردوستانه قرار دارند و طرفین ملزم به رعایت موازین انسانی‌اند.

گروه‌های شبه‌نظامی گاه‌آورد مرز افغانستان می‌شوند و به نظامیان امریکایی یورش می‌برند و یکی از دلایل حملات پهپادها، جلوگیری از این حملات گزارش شده است (C. Orr, Vol. 44, 2011: 734). به واسطه چنین حملاتی اصل تفکیک و تناسب به چالشی عمیق در این مناطق تبدیل شده است، زیرا شبه‌نظامیان همواره در میان جمعیت غیرنظامی‌اند و یونینفرم نظامی به

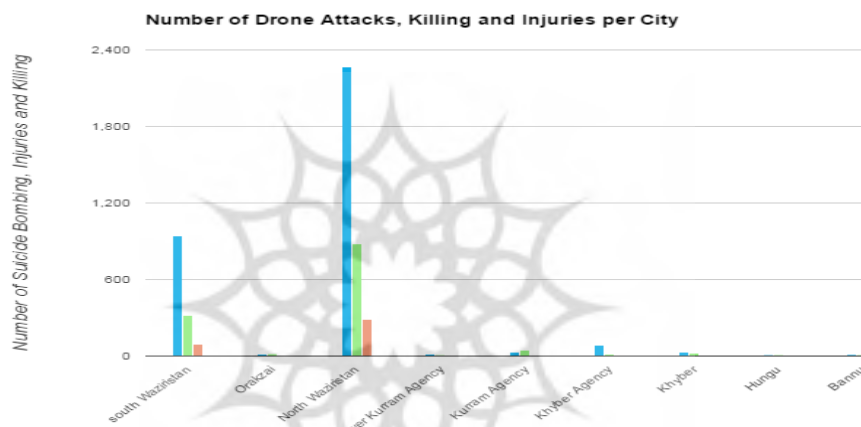
۱. در این خصوص می‌توان چنین توضیح داد که عملیات پهپادهای امریکایی چون بر علیه گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان و القاعده و با رضایت ضمنی دولت وقت پرویز مشرف بوده است، لذا داخل در مبحث مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی خواهد بود. اما اعتراضات بعدی دولت‌های بعد از پرویز مشرف، می‌تواند این استدلال را به چالش بکشد. امریکا عملیات خود را هرگز بر علیه دولت پاکستان قلمداد نکرده است، اما وجود چنین اعتراضات دولتی از جانب پاکستان، همچنین گزارش شخص فلیپ آلستون نماینده سازمان ملل و با توجه به موازین بین‌المللی، در غیرمشرع بودن عملیات پهپادهای امریکایی و نقض حقوق بین‌الملل و حاکمیت و تمامیت ارضی پاکستانی تردیدی وجود ندارد.

تن نمی‌کنند. با وجود این، نظامیان درگیر همواره باید میان اهداف مشروع و غیرمشروع تفکیک قائل شوند (ICG Asia Report N 178, 2009: 5). علاوه بر ابهام رعایت اصول تناسب و تفکیک در حملات پهپادها در پاکستان، نقض موازین حقوق بشر به واسطه مداومت این حملات بر فراز مناطق غربی پاکستان مشهود است. یکی از نگرانی‌های عمده صلیب سرخ که با سایر سازمان‌های حقوق بشری در میان گذاشته، بررسی تأثیر فعالیت‌های پهپادهای مسلح بر مردم آن منطقه است؛ اینکه چه مقدار استرس و فشار از سوی این هواپیماها ایجاد می‌شود؟ و نتیجه حضور مداوم این هواپیماها در آسمان روی سلامت ذهنی و روانی افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند چیست؟ (ICRC, 2016). رسانه‌های خبری و گروه‌های حقیقت‌یاب، از ترس و هراس مردم پاکستان به ویژه مناطق شمال غربی به واسطه فعالیت و پرواز مداوم و ۲۴ ساعته پهپادهای امریکایی در این منطقه گزارش داده‌اند. در اکثر گزارش‌ها، مردم بر ناامنی جانی، اقتصادی و ... تأکید و از تألمات شدید روحی ناشی از حضور این قاتلان پرنده امریکایی بر فراز آسمان قلمرو کشور خود گفته و ابراز ناخشنودی کرده‌اند (ICG Asia Report N 247, 2013: 11). موازین بین‌المللی حقوق بشر توسل به زور را زمانی مجاز می‌داند که ضروری و متناسب باشد. با این تعریف قتل‌های هدفمند پهپادها براساس معیارهای بین‌المللی نمی‌توانند قانونی باشند، زیرا این اقدامات زمانی مشروع‌اند که بر موازین بین‌المللی و مجوز مراجع صلاحیت‌دار جهانی مبتنی و به منظور حمایت از حق حیات و جلوگیری از تهدید علیه حیات بشری باشند. طبیعت و نتیجه سیاست قتل‌های هدفمند پهپادها از سوی امریکا تخطی از مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. این اقدامات امریکا نقض ماده ۷ در خصوص ممنوعیت رفتارهای غیرانسانی، بند ۱ ماده ۹ در خصوص حق آزادی و امنیت شخصی، ماده ۱۷ در خصوص ممنوعیت مداخلات خودسرانه در زندگی خصوصی و توجه به شرافت انسانی و برخی مواد دیگر این میثاق است که امریکا یکی از اعضای آن محسوب می‌شود (Stanford Law School, 2012: 117).

امروزه حملات پهپادها در پاکستان از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در حوزه برخورد با تروریسم دولت امریکا بوده است (P. Barnidge, Vol. 30, 2012: 411). با وجود ادعاهای برخی مقامات امریکایی مبنی بر محدود کردن حملات پهپادها، این کشور همچنان به این حملات در برخی کشورها به ویژه پاکستان، در سایه برنامه ضدتروریسم خود ادامه می‌دهد. سخنرانی باراک اوباما در ۲۳ می ۲۰۱۳ مبنی بر ادامه این روند از سوی دولت وی، حاکی از این امر است (Amnesty International, 2013: 1). ادامه رفتار خصمانه امریکا در پاکستان به ویژه حملات پهپادها، موجب بحرانی شدن روابط این دو کشور شده و وجهه امریکا را در میان افکار عمومی مردم پاکستان تنزل داده است و ۷۴ درصد مردم پاکستان امریکا را به منزله دشمن اصلی خود می‌دانند (Pew Research Center, 2012: 1).

حملات پهپادها به تفکیک شهرها

نمودار زیر حاکی از آن است که بیشترین حملات و شمار کشته‌ها در دو ایالت وزیرستان شمالی و جنوبی بوده است. از کل حملات انجام شده تا مارس ۲۰۱۶ در ایالات پاکستان، ۲۸۶ حمله مربوط به وزیرستان شمالی و ۹۲ حمله مربوط به وزیرستان جنوبی بوده است. در حملات به وزیرستان شمالی ۲۲۶۹ نفر کشته و ۸۷۸ نفر مجروح شدند. همچنین ۹۴۴ کشته و ۳۲۰ مجروح مربوط به وزیرستان جنوبی بوده که در هر دو منطقه ذکر شده بخشی از کشته‌ها و مجروحان مربوط به غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان بوده است.



نمودار ۱

Source: http://pakistanbodycount.org/drone_attack.php

نتیجه گیری

عملیات هواپیمای بدون سرنشین در قلمرو حاکمیتی سایر دولت‌ها باید مبتنی بر رضایت آن کشورها یا در چارچوب انجام اعمال مشروع و دارای مبنای قانونی معتبر یا استناد صحیح بر مبنای دفاع مشروع باشد. برای مثال، استفاده از پهپاد در عملیات حافظان صلح سازمان ملل با تصویب این سازمان با رعایت موازین بین‌المللی به منظور استقرار صلح و پایان دادن به مخاصمات مسلحانه، امداد و نجات، بدون اشکال به نظر می‌رسد. همچنین، توسل به زور از طریق پهپادها در مخاصمات و اجرای حملات هوایی باید به صورت قانونی و منطبق بر موازین حقوق بین‌الملل و بشردوستانه باشد. به کارگیری هواپیمای بدون سرنشین به‌منزله یک جنگ افزار اتوماتیک هوشمند یا کنترل از راه دور، در مخاصمات باید با رعایت اصل تفکیک و

تناسب و اصل ضرورت باشد، اما برخی کاستی‌های این سلاح‌های کشنده، پایبندی به این اصول را متزلزل کرده است. پهپادها مانند هواپیماهای شکاری خلبان ندارند، لذا رعایت اصول ذکرشده در نبود انسان دارای تفکر و احساس با پیچیدگی‌هایی مواجه است، زیرا یک ربات هرگز قادر به درک جنگ و اقدام مشروع، رفتار انسانی با اسرا، اخطار قبلی در موقع حمله و ... نیست. ماهیت معاهدات حقوق بشر دوستانه عمدتاً، حاکم بر رفتار انسان‌هاست و پیش‌فرض آن‌ها این بوده که جنگجویان عرصه نبرد انسان و ابزارهای جنگی در اختیار انسان خواهد بود. اما پیشرفت تکنولوژی و استفاده از سلاح‌های ربات‌گونه هوشمند، هدایت‌شونده و خودکار و گاهاً تصمیم‌گیر مانند پهپادها و موشک‌های کروز نسل جدید، به دلیل ابهام در رعایت اصل تفکیک و تناسب، بازنگری در این کنوانسیون‌ها یا تأسیس موازین حقوقی جدید در خصوص این قسم سلاح‌ها را ضروری می‌کند. همچنین، مبحث مسئولیت کیفری فردی در صورت ارتکاب جرایم بین‌المللی برای کنترل‌کنندگان متعدد این نوع سلاح‌ها به سهولت جنگ‌افزارهای کلاسیک نیست، گرچه عوامل اجرایی و کنترل از راه دور و در کل زنجیره انسانی هدایت این نوع سلاح‌ها مسئول وضعیت‌های ایجادشده خواهند بود.

در خصوص حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در برخی کشورها به‌ویژه پاکستان به بهانه مبارزه با تروریسم، باید گفت که بهترین روش و شیوه برای مبارزه علیه تروریسم رعایت حاکمیت قانون است. بدین ترتیب که حملات موشکی به وسیله پهپادها و مبارزه با تروریسم در قلمرو پاکستان باید بر عهده خود دولت پاکستان گذاشته شود یا با کسب رضایت این دولت و با رعایت موازین بین‌المللی باشد. اما از زمان شروع فعالیت پهپادها در پاکستان با وجود رضایت ضمنی دولت پرویز مشرف، در سال‌های اخیر با روی کار آمدن دولت‌های جدید، اعتراضات وسیع دولتی و مردمی به نقض حاکمیت پاکستان و افزون بر این، محکومیت این حملات از سوی دادگاه عالی پشاور، واکنش پارلمان پاکستان و تأیید فلیپ آلستون گزارشگر ویژه سازمان ملل بر غیرقانونی بودن عملیات پهپادهای امریکایی در قلمرو پاکستان، این نوع عملیات امریکایی هرگز قطع نشده و لذا روحیه امریکاستیزی را در جهان اسلام و به‌ویژه در میان مردم پاکستان افزایش داده است. حال با توجه به موارد ارزیابی شده در این پژوهش نکات ذیل در خصوص حملات پهپادها حائز اهمیت است:

۱. توسل به زور در قلمرو حاکمیتی دول، به‌ویژه از طریق پهپادها باید قانونی و به‌منظور استثنائات مندرج در منشور ملل متحد باشد.
۲. به کارگیری پهپادها، در یک مخاصمه مسلحانه باید همراه با رعایت قواعد حقوق بشر دوستانه (اصول تفکیک، تناسب و اصل ضرورت) و حقوق بشر باشد.
۳. اقدام امریکا در حملات پهپادها به پاکستان، با توجه به اعتراضات اسلام‌آباد، نقض حقوق

بین الملل و تعرض به قلمرو پاکستان محسوب می شود، لذا امریکا موظف به توقف این حملات یا کسب رضایت پاکستان است.

۴. در صورت تمکین نکردن امریکا طرح مسئله مسئولیت کیفری افراد به واسطه جرم تجاوز و جرایم جنگی با حصول شرایط خاص در ICC و مسئولیت دولت امریکا در نهادهای قضایی و سیاسی ضروری به نظر می رسد.

۵. محکومیت اقدامات ناقض حقوق بشر امریکا به واسطه حملات پهبادهای در نهادهای حقوق بشری بین المللی و منطقه ای نیز در بیدار کردن افکار عمومی و توقف حملات می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

۶. با توجه به طراحی و تولید نسل جدید سلاح های اتوماتیک هوشمند و کنترل از راه دور مانند پهبادهای، کنوانسیون های موجود بین المللی به خوبی پاسخگوی تحدید و کنترل چنین سلاح هایی نبودند، لذا لزوم تدوین معاهدات مؤثر و کارآمد به منظور کنترل این گونه سلاح ها که آینده بشریت را تهدید جدی می کند، ضروری به نظر می رسد.

منابع

فارسی

الف- کتابها

۱. ابراهیمی نصرالله، (۱۳۷۷)، درآمدی بر تاسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه آن، مجله حقوقی، ش ۲۳.
۲. قربان نیا ناصر؛ (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ نخست.
۳. ممتاز جمشید و رنجبریان امیرحسین (۱۳۸۶)؛ حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، چ ۲، تهران، نشر میزان.
۴. کرماجانی، د اود (۱۳۹۲) کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین از منظر حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

ب- مقالات

۵. اوکونل ماری الن، (۲۰۱۰) حقوق بین الملل در خصوص هواپیماهای بدون سرنشین، ترجمه: عبدالله عابدینی، قابل دسترسی در تار نمای : <http://internationallaw.blogfa.com/post-603.aspx>
۶. تقی زاده زکیه و هداوندی فاطمه (۱۳۹۱)، کنکاشی در مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال نهم، شماره ۴.

۷. جباری منصور(۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی ثبت و تابعیت هواپیما ، پژوهش حقوق و سیاست ، شماره ۱۵ و ۱۶.
۸. جباری منصور(۱۳۸۵)، شناسایی بین‌المللی حقوق مربوط به هواپیما ، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۸ .
۹. سلمانی قهپازی احمد(۱۳۸۵)، سیاستهای یکجانبه گرایانه آمریکا و تاثیر آن بر امنیت بین‌المللی، نشریه مدیریت نظامی، ش ۲۲.
۱۰. شایگانفرد مجید(۱۳۸۷)، دیوان بین‌المللی کیفری و صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز، فصلنامه حقوق، شماره ۴ .
۱۱. شیخی محمدباقر(۱۳۸۷)، طبقه‌بندی اختلافات هواپیمایی بین‌المللی کشوری، مجله دانشکده حقوق، ش ۴۶.
۱۲. کاظمی علی اصغر(۱۳۶۶)، پرواز بر مناطق مختلف دریایی در کنوانسیون جدید حقوق دریاها ، مجله سیاست خارجی، ش ۳ .
۱۳. مسیح تهرانی انوشیروان(۱۳۷۷)، حقوق بین‌الملل هوایی و فضایی ، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۱ .

انگلیسی

Books

14. A.SCHABAS OC WILLIAM;(2007)AN INTRODUCTION TO THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT;Third Edition;CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
15. ALBIN,ESER;(2002)Individual Criminal Responsibility,Volume I,Oxford University Press.
16. Christopher A.Jones(1997).UNMANNED AERIAL VEHICLES AN ASSESSMENT OF HISTORICAL OPERATIONS AND FUTURE POSSIBILITIES, Air Command and Staff College .
17. CRYER ROBERT and others;(2010)An Introduction to International Criminal Law and Procedure;second edition;CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
18. H.Cox Timothy&other;(2004)Civil UAV Capability Assessment;NASA Aeronautics Research Mission Directorate.
19. Kolb Robert and Hyde Richard;(2008)AN INTRODUCTION TO THE INTERNATIONAL LAW OF ARMED CONFLICTS;OXFORD~ PORTLAND OREGON;Hart Publishing.
20. Valavanis, K., & Vachtsevanos, G. (2015). Handbook of unmanned aerial vehicles. new york: Springer.

Articles and documents:

21. 31st INTERNATIONAL CONFERENCE OF THE RED CROSS AND RED

- CRESCENT,(2011) International Humanitarian Law and the challenges of contemporary armed conflicts , 31IC/11/5.1.2, Geneva.
22. A/HRC/14/24/Add.6 ,Report of the Special Rapporteur on extrajudicial,summary or arbitrary executions, Philip Alston ,2010.
23. Amnesty International ,(2013) WORDS, WAR, AND THE RULE OF LAW, (AMR 51/032/2013).
24. Amnesty International,(2010)sss If llll lll l nn ee :: The uu mnn Rights Criss in Northwest Pakistan,ASA 33/004/2010.
25. Andrew C. Orr ,(2011)Unmanned,Unprecedented, and Unresolved: The Status of American Drone Strikes in Pakistan Under International Law,Cornell International Law Journal ,Vol.44.
26. Cobb Cooper John,(1952) Roman Law and the MAXIM CUJUS EST SOLUM In International Air Law , McGill Law Journal.
27. Columbia Law School Human Rights Institute ,(2012) United States Compliance with the International Covenant on Civil and Political Rights.
28. Eskiev Daniel& Litt Constanze;(2012)Drone Warfare in the Middle East; HAMMUN 2012 Study Guide Security Council.
29. François Bugnion,(2002) Just Wrr, Wrr of gg gressoon nnd Inrrrntt oonll uu mnnirrrnnnLaw ,Inrrrnooonll Reveew of the Rdd Cross ,oo .. 84, oo .847.
30. Get the data: Drone wars Archives - The Bureau of Investigative Journalism. (2016). The Bureau of Investigative Journalism. Retrieved 17 March 2016,
31. Hin-Yan Liu (2012).Categorization and legality of autonomous and remote weapons systems. International Review of the Red Cross, 94, pp 627-652.
32. Human Rights Watch,(2010)COUNTRY SUMMARY(pakistan).
- 33.international committee of the red cross,(2009)Customary International Humanitarian Law, Cambridge University Press ,VOLUME I.
34. International Crisis Group Asia Report N°178, (2009) Pakistan:Countering Militancy in FATA.
35. International Crisis Group Asia Report N°247 ,(2013) Drones: Myths and Reality in Pakistan.
36. International Humanitarian Law and New Weapon Technologies 34th Round Table on current issues of international humanitarian law,San Remo, (2012). International Review of the Red Cross, 94, pp814-817.
37. Interview with Peter W. Singer. (2012). International Review of the Red Cross,94,pp467-481.
38. JUDGMENT of THE PESHAWAR HIGH COURT,(2013)PESHAWAR JUDICIAL DEPARTMENT , *Writ Petition No. 1551-P/2012*.
39. Kronstadt K. Alan ;(2012)Pakistan-U.S. Relations ;Congressional Research Service.
40. LARM DENNIS ,(1996)Expendable Remotely Piloted Vehicles for Strategic Offensive Airpower Roles , Air University PressMaxwell Air Force Base, Alabama.

41. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1. C.J. Reports 1996,
42. Litt Constanze & Eskiev Daniel,(2012) Drone Warfare in the Middle East , Hamburg Model United Nations 2012 Study Guide Security Council.
43. Markus,Benzing;(2008) Sovereignty and the Responsibility to Protect in International Criminal Law.
44. Connlll aa ry Eeeñ &others,(2010)Drones under International Law,Whitney R.Harris World Law Institute.
45. P.Ehrhard Thomas,(2010)Air Force UA Vs:The Secret History ,A Mitchell institute study.
46. PCNICC/2002/WGCA/DP.3(Proposed text on the definition of the crime and act of aggression/ Proposal submitted by the delegation of Colombia).
47. Peter Asaro (2012).On banning autonomous weapon systems: human rights, automation, and the dehumanization of lethal decision-making. International Review of the Red Cross, 94, pp 687-709.
48. Pew Research Cenrrr s ooobll Attttudss Projcct , (2012) Pakistani Public Opinion Ever More Critical of U.S.
49. Ram, J., Sgobba, T., & Dempsey, P. (2011). Do we need an international regulatory framework for space?. Vienna: Springer.
50. Robert P.Barnidge,(2012) A QUALIFIED DEFENSE OF AMERICAN DRONE ATTACKS, BOSTON UNIVERSITY INTERNATIONAL LAW JOURNAL, Vol.30:409.
51. S.Tsach,J.Chemla,D.Penn,D.Budianu;(2004)HISTORY OF UAV DEVELOPMENT IN IAI&ROAD AHEAD; 24TH INTERNATIONAL CONGRESS OF THE AERONAUTICAL SCIENCES.
52. Stanford Law School;(2012)Living Under Drones Death,Injury,and Trauma to Civilians From US Drone Practices in, Pakistan;September 30th.
53. Stuart Casey-Maslen(2012). Pandora's box? Drone strikes under jus ad bellum, jus in bello, and international human rights law. International Review of the Red Cross, 94, pp 597-625.
54. Susan Breau &other,(2011)DRONE ATTACKS, INTERNATIONAL LAW, AND THE RECORDING OF CIVILIAN CASUALTIES OF ARMED CONFLICT,OxfordResearchGroup.
55. Wrage Stephen(2011)Norms for Assassination by Remotely Piloted Vehicle aaaggccInsighss 10, Issue 2.
56. yemen-analysis.(2016). Securitydata.newamerica.net. Retrieved 17 March 2016, from <http://securitydata.newamerica.net/drones/yemen-analysis.html>

سایتهای اینترنتی

<http://securitydata.newamerica.net/drones/yemen-analysis.html>

<http://www.aaj.tv/2013/03/un-chief-says-use-of-drones-is-subject-to-international-law/>

<http://www.thebureauinvestigates.com/category/projects/drones/>
http://pakistanbodycount.org/drone_attack
<http://www.opensocietyfoundations.org/voices/case-watch-court-pakistan-addresses-us-drone-attacks>
<http://www.icrc.org/eng/resources/documents/interview/2013/05-10-drone-weapons-ihl.htm>
<http://www.mofa.gov.pk>
<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=32764&Cr=alston=>

